



۲۰۱۷/۰۸/۱۸



سید خلیل الله هاشمیان

یک مسوده برادرانه به جناب داکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان

نویسنده: فاروق اعظم - مترجم: س. خ. هاشمیان

یادداشت مترجم: بعد از آنکه مقاله بسیار مستند، مدلل و قناعت بخش آقای انجنیر احسان مایار (شاهدان تکرار حوادث تاریخی) را در باره تغییر ذهنیت دولت امریکا و آقای "دونالد ترامپ" پیرامون ضرورت ختم جنگ در افغانستان، در پورتال وزین آریانا افغانستان خواندم، و میدیای جهانی نیز همین ذهنیت را منعکس ساخته است، به خاطر آوردم که جناب داکتر فاروق اعظم نیز گزارش مشابهی را در ماه اپریل به آقای داکتر اشرف غنی در کابل تقدیم کرده بود که متن پشتوی آن در هفته گذشته درین پورتال نشر شده است. لازم دانستم مشاهدات داکتر فاروق اعظم را نیز برای مطالعه دری زبان های افغانستان ترجمه کنم، زیرا این موسیبد قضایا را از داخل افغانستان تحت بررسی قرار داده و در گزارش او نکات بسیار جالب، سودمند و عبرت انگیز و هم حیرت انگیز و سؤال برانگیز وجود دارند - اینک متن ترجمه را در ذیل می خوانید. هاشمیان

"دونالد ترامپ" رئیس جمهور امریکا در مورد افغانستان یک پالیسی مشخص ندارد، بنا بر آن رئیس جمهور ما آقای اشرف غنی در زمینه تثبیت پالیسی "دونالد ترامپ" یک رول عمده را بازی کرده می تواند - در اینجا دو راه وجود دارد:

- یا افغانستان در مسیر دهه های آینده در آسیا میدان جنگ های خونین نیابتی قدرت ها خواهد شد
- و یا در دوره کار رئیس جمهور اشرف غنی صلح و امنیت در این کشور رونما می گردد، و از این مدرک اشرف غنی یک نام تاریخی کمایی می کند.

این فرصت برای رئیس جمهور اشرف غنی یک فرصت تاریخی است که از آن باید هم برای افغانستان و هم برای خودش حد اعلی استفاده نماید.

امریکا در سال ۲۰۰۱ توانست که در مورد افغانستان اجماع منطوقی و جهانی را تأسیس نماید. پاکستان را از طریق تهدید، تطمیع و رشوت به خود جلب کرد، دیگران، مانند ایران و هندوستان، را نیز با دادن امتیازات سیاسی - چین، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی را در بدل اعطای القاب خانی و بزرگواری، امتیازات مالی یا شهرت بخشی راضی ساخت و به این ترتیب امریکا توانست که در موقف رهبری خود در افغانستان منافع منطوقی و جهانی را به نوعی بهم ممزوج و همنا سازد.

اما اکنون آن اوضاع سابق باقی نمانده - ایران از سال ها به این طرف به طور مخفی به ضد این اجماع کار می کند. رئیس جمهور ایران محمود احمدی نژاد در سفر خود به کابل در سال ۱۳۸۸ هـ ش افغانستان را تحت اشغال خواند و بعد از آن آهسته

آهسته به تجهیز و تسلیح طالبان شروع کرد - همین اکنون دفاتر طالبان در ایران فعال است و اختر منصور رهبر سابق طالبان اکثر اوقات در ایران می بود - والیان هرات، فراه، نیمروز و هلمند به تکرار گفته اند که در سرحدات ایران لاری های مملو از اسلحه طالبان را کشف و ضبط کرده اند - ولایت نیمروز و وزارت آب و انرژی همیشه شکایت دارند که ایران آنها را به تکمیل بند کمال خان نمی گذارد - سفیر ایران به صراحت می گوید که دولت طالبان را نوازش و تربیت می کند که مقامات دولت افغانستان ازین معامله خبر دارند - طبعی است که ایران آن نوع معلومات را به دولت افغانستان نمی دهد که به درد افغانستان بخورد، مثلاً ایرانی ها به ریاست امنیت ملی می گویند که طالبان دشمن مشترک ما و شما می باشند و دلیل اینکه ما با آنها تماس نزدیک داریم اینست تا از مسایل داخلی آنها، اهداف و مسیر حرکت شان آگاه شویم و آن معلومات را با شما شریک می سازیم که این نوع همکاری به نفع هر دو دولت می باشد - اما یقیناً در عقب این مداخله اهداف مخفی خود را با دولت افغانستان شریک نمی سازند - به تاریخ ۱۰ جنوری ۲۰۱۷ قتل دیپلماتان عرب متحد در قندهار و نجات والی ولایت از مرگ، یک موضوع قابل غور می باشد - به این ترتیب ایران هم به میخ می زند و هم به نعل - اما ایران در سطح بالا و به طور مخفی با روسیه و چین اشتراک مساعی دارد، چونکه آنها رقیب امریکا می باشند.

دولت چین به طور منظم با طالبان در تماس می باشد و فکر می کند که امریکا می خواهد به نام جنگ با تروریسم، منطقه مسلمان نشین چین را نا آرام و پُر آشوب سازد، بنا بر آن با طالبان که دشمن داعش می باشند، محبت چین بیشتر شده است. چین در افغانستان و پاکستان خواهان جنگ بیشتر نمی باشد، زیرا نا امنی درین منطقه نه تنها امنیت چین را تحت تهدید قرار می دهد، بلکه به منافع اقتصادی چین در افغانستان نیز صدمه می رساند.

روسیه و جمهورییت های آسیای مرکزی که روسیه هنوز هم آنها را ساحه تحت نفوذ خود می شمارد، به مبارزه امریکا بر ضد تروریسم به طور جدی شک دارند - روسیه مانند چین دیگر در افغانستان حضور نظامی امریکا و دوام جنگ را به ضرر خود می داند، بنا بر آن تماس های خود را با طالبان بیشتر ساخته و به اساس شواهد دقیق با طالبان کمک هم کرده و می کند - این تعامل مقدمه مداخلات خطرناک بعدی است که عواقب وخیم در پی دارد- اگر روسیه و چین چنان راکت هایی به طالبان بدهند که از ریشخوریا کوه صافی کابل را هدف قرار بدهند، در آن صورت ضرورت استخدام برای حمله های انتحاری از بین می رود، چونکه در قلب کابل هر جا را که بخواهند بدون تلفات جانی، هدف قرار داده می توانند. هکذا اگر اسلحه ضد هوایی به طالبان داده شود، و فضای کابل که اکنون تنها به دست دولت و ناتو می باشد، آنوقت در چلنج قرار می گیرد و مسیر جنگ بالکل به ضرر دولت تغییر خواهد کرد - اگر جنگ دوام کند، رویکار آمدن این نوع سناریو حتمی به نظر می رسد. بعضی راپور ها می رساند که روس ها با عناصر چپ گرای افغان که آنها را به هنگام تجاوز بر افغانستان ایجاد و تجهیز کرده بود، اکنون تماس بر قرار نموده تا از طریق همکار ساختن چپی ها با طالبان، انتقام ناکامی خود را از امریکا در افغانستان بگیرد - این راپور ها حمله بر قنسلگری جرمنی در مزار شریف و همچنان حمله بر قول اردوی ۲۰۹ شاهین را محصول این نوع همکاری های پرپیچ و خطرناک می دانند.

هندوستان روابط خود را با افغانستان در تناظر با پاکستان می بیند، در غیر آن هندوستان دوست روسیه و ایران است و بالاخره همان راهی را تعقیب خواهد کرد که آن دو اندیوال عنعنوی او رفته بودند - اگرچه امریکا و هند اکنون تا اندازه ای نزدیک شده اند، ولی این نزدیکی هند را از روسیه دور ساخته است - روسیه در مقابل نظم جهانی امریکا به ارتباط هندوستان، به دوستی و کمک چین ضرورت دارد، این وضع به ضرر هندوستان است و به همین سبب است که هندوستان در طول تاریخ پیدایش خود آنقدر منزوی نشده بود که اکنون می باشد - چندی قبل چین، روسیه و پاکستان به ارتباط امنیت منطقه و خصوصاً افغانستان مجلسی در ماسکو داشتند، اما هندوستان را دعوت نکرده بودند - ایران که دوست نزدیک هندوستان است اکنون ایران هم منفعت خود را در کمپ روس - چین - پاکستان می بیند.

پاکستان به ارتباط مسئله افغانستان در تلاش طرح یک پالیسی جدید است. روسیه که قبلاً مخالف پاکستان و دوست هندوستان بود، اکنون در تلاش دوستی با پاکستان می باشد - روسیه قیودات فروش اسلحه خود را بر پاکستان رفع ساخت و حتی در ماه سپتامبر گذشته تمرینات مشترک نظامی انجام دادند که یک اقدام بی سابقه بود.

پاکستان یک هیأت نظامی روسیه را به وزیرستان بُرد، و راپور ها شایع کردند که افسران نظامی روسی به کمک پاکستان مراکز نظامی طالبان را به داخل افغانستان مشاهده کردند - اکنون روسیه در موضوع افغانستان دیگر بالای ایران و هندوستان متکی نمی باشد - هر قدر که مناسبات پاکستان با روسیه رو به انکشاف باشد (مناسبات پاکستان با چین که قبلاً شگوفان بود)، همانقدر اتکاء پاکستان به امریکا تقلیل می یابد و یا حداقل از امریکا طالب امتیازات خواهد شد.

پاکستانی ها به چین و روسیه گفته اند که این آتشی را که امریکا در افغانستان شعله ور ساخته، اکنون به دامان پاکستان نیز رسیده و فردا به سوی شما روان خواهد شد، بنا برآن بیایید این آتش را که دیگران درین منطقه شعله ور ساختند، ما کشورهای منطقه خود ما به طور مشترک آنرا خاموش سازیم؛ و این چیزی است که روسیه و چین آرزوی شنیدن آنرا دارند، و به همین منظور است که کمپ مشترک جدیدی را با پاکستان تأسیس کرده اند.

ایران نیز همین اکنون خواستار شمول درین کمپ است و شاید ترکیه هم که از شمولیت خود در اتحادیه اروپا مأیوس شده، به طرف همین کمپ جلب گردد - آنها می گویند که امریکا در افغانستان خواستار صلح و ثبات نمی باشد، بنا برآن نه تنها یک پلان و اجندای مشخص برای صلح ندارد، بلکه می خواهد با اعزام عساکر بیشتر به افغانستان آتش سوزی کنونی را بیشتر مشتعل ساخته و آنرا به چهار طرف منطقه نیز منتقل سازد.

از جانب دیگر پاکستان به امریکا می گوید که اگر می خواهد از نفوذ داعش در افغانستان جلوگیری کند، باید عسکر بیشتر به افغانستان اعزام کند، زیرا اگر در سوریه و عراق بالای داعش فشار زیاد شود، آنها به افغانستان می آیند، لهذا اگر امریکا در افغانستان در مقابله با داعش ناکام بماند.

روسیه و چین برای خود حق قایل می شوند که به بهانه مقابله با داعش در افغانستان مداخله نظامی کنند، که این نوع انکشاف برای افغانستان و امریکا چندان خوش آیند نخواهد بود. پاکستان استدلال می کند، همان طوری که افغانستان در همسایگی روسیه و چین قرار دارد، لهذا در صورت تقابل امریکا با آن دو همسایه افغانستان، این جنگ برای امریکا بسیار گران تمام خواهد شد و شاید امریکا را به سرنوشتی مانند اتحاد شوروی دچار سازد.

پاکستان می داند که اگر امریکا عساکر بیشتر به افغانستان اعزام کند، راه و طریق تجهیز و تکمیل این عساکر از خاک پاکستان می گذرد و هر قدر که تعداد عساکر امریکا در افغانستان بیشتر شود، به همان اندازه امریکا محتاج کمک و همکاری با پاکستان خواهد بود - در این بازی دوجانبه نه تنها پاکستان از فشار امریکا جان به سلامت می برد، بلکه با نزدیکی خود با روسیه، هندوستان راهم منزوی ساخته است - به این ترتیب پاکستان به ارتباط افغانستان ساحه نفوذ خود را هنوز هم بیشتر و وسیع تر ساخته می رود.

اگر امریکا با کوریای شمالی در جنگ گیر بماند، این هم بیشتر به نفع پاکستان تمام خواهد شد. علاوه بر آنکه اکنون در مورد افغانستان آن اجماع قبلی باقی نمانده است، همه کشورهای ذیدخل، به شمول امریکا و ملل متحد، اکنون طالبان را یک جزء حل قضیه افغانستان می دانند.

امریکا نیز طالبان را دیگر دشمن خود نمی داند، بلکه توجه امریکا بیشتر به طرف تخریب داعش است، که طالبان هم با داعش سازش ندارند و دشمن دشمن را دوست خوانند؛ به این ترتیب طالبان دیگر به قول "اوباما" و "جو بایدن" دشمن امریکا نمی باشند

– "یاماتو" نماینده خاص ملل متحد در افغانستان در ماه گذشته به شورای امنیت گفت که طالبان باید جزء نظام آینده افغانستان باشند، و وزیر خارجه جدید امریکا نیز در باره مذاکره با طالبان چیزهایی گفته است.

اکنون تمام دوستان خارجی ما در افغانستان در باره احداث چنان یک نظام فکر می کنند که طالبان جزء آن باشند - امریکا بعد ازین به از بین بردن داعش تمرکز خواهد کرد و به این ترتیب همه دوستان دولت افغانستان نه آن تعهدات قبلی را دارند و نه دیگر اجماعی به نفع دولت افغانستان وجود دارد.

ناتو در تحت رهبری امریکا در افغانستان تا این اواخر ۱۵۰ هزار عسکر در اینجا داشت که تائید کامل مردم و حکومت افغانستان را نیز حاصل کرده بود، اما این قدرت نظامی نتوانست یک امنیت قابل اطمینان را در افغانستان تأمین کند و یا حد اقل مداخلات همسایگان را جلوگیری بتواند - امنیت روز تا روز خراب تر شده و مداخلات همسایگان ما نیز بیشتر گردیده. اکنون جنرالان امریکایی در افغانستان تقاضای اعزام ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ عسکر بیشتر را کرده اند - سؤال اینست:

○ در حالیکه با موجودیت ۱۵۰ هزار عسکر امنیت برقرار نگردید، آیا با تعداد محدودی امنیت تأمین شده می تواند؟ اگر ما این واقعیت را قبول کنیم که حملات مخالفین مسلح رو به تزئید گذاشته، این ادعا از لحاظ نظامی چه معنی دارد؟

○ آیا ما در طریق فتح روان می باشیم؟

○ آیا این ادعا معنی موفقیت ما را دارد که هر وقت گفته می شود: "از فلان جا عقب نشینی تکتیکی صورت گرفت؛ دسیسه سقوط فلان شهر را خنثی کردیم؛ ما هرگز سقوط کابل و شهرهای بزرگ را اجازه نمی دهیم..." برای دولت درین باره یک فکر جدی بکار است.

رئیس جمهور جدید امریکا آقای "ترامپ" مصروف ساختن پالیسی جدید برای افغانستان می باشد، چشمان رئیس جمهور برای مشوره به طرف سه جناح باز است:

(۱) به جنرالان امریکایی در افغانستان و به وزارت دفاع واشنگتن: جنرالان امریکایی در افغانستان و هم جنرالان شوروی به خاطر ترفیعات و مدال های خود شان کوشش می کردند که جنگ را به دلایل مختلف گرم و داغ نگه دارند و همیشه تقاضای عسکر بیشتر را می کردند، زیرا در تحرکات نظامی و فوجی مسایل پیشرفت و وظیفوی خود آنها دخیل بود؛ آنها این نوع تقاضا ها را حتی تا سرحد شکست قطعاً قطعاً خود ادامه می دادند. اکنون در افغانستان نیز وضع به چنان منوال است؛ اگرچه می دانم این نوشته من چندان خوش جنرالان نخواهد آمد، اما این یک واقعیت تاریخی است که شما باید آنرا به خاطر منافع علیای افغانستان در نظر بگیرید - یک چیز بکلی واضح است و آن اینست که نه امریکا و نه ناتو بار دیگر صد هزار عسکر به افغانستان فرستاده نمی تواند، و نه این جنگ با ازدیاد تعداد معدود سپاه خوبتر فتح شده می تواند، اما البته جنگ دوام کرده می تواند - در صورت دوام جنگ چنانکه قبلاً گفتیم، ائتلاف های جدیدی در دور و کنار ما به وجود می آیند و به احتمال قوی روسیه و چین به مخالفین دولت اسلحه پیشرفته و مؤثر خواهند داد؛ اگر مخالفین برای هدف قرار دادن شهرها راکت ها و اسلحه ضد هوایی به دست آورند، مسیر جنگ برای دولت افغانستان بسیار فاجعه افزا خواهد بود - اگر جنگ دوامدار شود، این وضع حتمی رونما خواهد شد.

(۲) وزارت خارجه امریکا: جنرال های امریکایی حتماً از آقای "ترامپ" تقاضای اعزام عسکر بیشتر را می کنند اما وزارت خارجه امریکا نظر دیگر دارد، آنها طالبان را یک جزء راه حل قضیه افغانستان می دانند - ازین سبب است که به منظور رسیدن به یک راه حل سیاسی و باز گذاشتن دروازه ها برای نیل به آن، وزارت خارجه امریکا هر سال طالبان را از لیست سازمان

های تروریستی برون می سازند - "بارک اوباما" رئیس جمهور سابق امریکا در دوره اول ریاست جمهوری خود یک پالیسی منطقی را طرح کرد، او به بیانات جنرال های خود در افغانستان و پنتاگون گوش می داد - جنرال های او اعزام عسکر بیشتر را به افغانستان تقاضا کردند، "اوباما" تقاضای آنها را پذیرفت، اما اینقدر اضافه کرد و شرط گذاشت که اگر جنگ را تا یک موعده معین برنده نشوید، در آن صورت عساکر خود را به خاطر دوام یک جنگ بیهوده نمی گذارم - آنگاه بعد از چند سال که فهمید این جنگ را برده نمی تواند، عساکر خود را احضار می کند و تنها در کابل برای حفاظت سفارت امریکا تعداد محدودی را می گذارد - اکنون در نزد "ترامپ" نیز همان سؤال مطرح است و شاید "ترامپ" نیز در راه ناکام "اوباما" تیله شود. "ترامپ" به تناسب "اوباما" مشکلات بیشتر دارد، "اوباما" توانست ۱۵۰ هزار عسکر ناتو را به افغانستان اعزام کند، اما ترامپ اینکار را کرده نمی تواند - به این ترتیب آقای "ترامپ" رئیس جمهور امریکا در یک دو راهی قرار گرفته است. درین مقطع شاید نظر دولت افغانستان بسیار مؤثر و حتی فیصله کن ثابت شود و بتواند دست رئیس جمهور امریکا را در یک موقع بسیار خوب بگیرد تا به راه ناکام پایان نشود - اگر دولت افغانستان با در نظر داشت حساسیت و اهمیت وقت و موقع اقدام کند، شاید افغانستان و امریکا هر دو بتوانند از یک تباهی قابل پیشبینی جلوگیری نمایند - در این صورت است که دولت افغانستان در نظر افغان ها، امریکا، قدرت های منطقه و جهان برای خود یک موقف قابل احترام را کمایی می کند. این نوشته به منظور همکاری با آقای اشرف غنی رقم شده است.

(۳) دولت افغانستان: رئیس جمهور اشرف غنی باید از آن جمله بیانات آقای "ترامپ" به مفاد کشور خود استفاده کند که او به هنگام کامپین خود به مردم امریکا وعده داده بود که:

"ما بعد ازین به خاطر حفاظت کشورهای دیگر به اقتصاد و عساکر خود صدمه نمی رسانیم."

به ارتباط این شعار، رئیس جمهور اشرف غنی باید از آقای "ترامپ" و مردم امریکا به مناسبت کمک های اقتصادی و نظامی شان اظهار تشکر و امتنان نماید و به "ترامپ" بگوید که ما نمی خواهیم عساکر امریکا بیشتر در افغانستان به قتل برسند - در عین زمان باید آن منافع مشترک اقتصادی، سیاسی و ستراتیژیکی به توجه آقای "ترامپ" رسانده شود که در صورت تأمین صلح، امریکایی ها و افغان ها هر دو، از آن بهره مند می گردند؛ مثلاً ذخایر معدنی افغانستان و موقعیت جغرافیایی افغانستان. آقای اشرف غنی باید تأمین صلح را برای آقای "ترامپ" به مفهوم دریافت یک نام و شهرت نیک مطرح سازد، چیزی که "اوباما" حتی با دریافت جایزه صلح نوبل به دست آورده نتوانست - رئیس جمهور اشرف غنی باید آن نکات مثبت کار اداره "ترامپ" را که تا حال مشاهده شده، به تکرار یادآور شده و از آن تائید و حمایت نماید - از آنجمله مهمتر از همه، بیانات آقای "ترلسن" وزیر خارجه امریکا است که چندی قبل گفته بود: "ما از پروسه صلح افغانستان و ازین طریق از مذاکرات مستقیم بین افغان ها حمایت می کنیم." رئیس جمهور اشرف غنی باید در پهلوی حمایت ازین ستراتیژی، برای تحقق آن نیز با آقای "ترامپ" کمک نماید.

اما آقای اشرف غنی باید در باره حکومت خود و اوضاع جاری در کشور نیز چند نکته را مدنظر قرار دهد:

وضع امنیت در افغانستان نه تنها قناعت بخش نیست، بلکه روز تا روز خرابتر شده می رود.

- دولت افغانستان در ترکیب خود به دلایل مختلف یک دولت قوی نیست.

- همسایگان ما از ته دل و مخلصانه دوست ما نمی باشند.

- دوستان خارجی ما صد ها هزار عسکر خود را برای کمک به دولت افغانستان دوباره پیشکش نمی توانند.

- اگر جنگ کنونی بیشتر دوام کند، در آن صورت بحران کنونی شکل بسیار خطرناک را اختیار می کند که نتیجه آن به طور قطع به ضرر دولت افغانستان و امریکا می باشد.

با در نظر داشت مسایل و نکات فوق الذکر، مشوره دستانه دولت افغانستان به آقای "ترامپ" از این قرار بوده می تواند:

- غیر از طرح یک ستراتیژی معقول برای ایجاد صلح، اعزام عسکر بیشتر به افغانستان یا حماقت است و یا هدف آن قصداً بی ثبات ساختن این منطقه می باشد.

- امریکابرای دوام جنگ پول و برنامه دارد، اما برای ایجاد صلح هیچ پلان و برنامه ای ندارد - اما افغانستان تا ابد در حال جنگ نگاه داشته شده نمی تواند.

- امریکا هر قدر خودش لازم می داند بیشتر عسکر به افغانستان بفرستد تا اینکه مخالفین مسلح و کشورهای دور و پیش ما بفهمند که امریکا در افغانستان ناکام نمانده، و هم امریکا دوست خود (دولت افغانستان) را مفت و رایگان بدست دشمنانش نمی سپارد، اما

- به خاطر اینکه همسایگان ما، روسیه، چین و دیگران نگویند که امریکا با اعزام عسکر بیشتر آرزوی دوام جنگ را دارد، و یا اینکه دولت افغانستان با همنوایی با امریکا مانع ایجاد صلح می شود، و نیز به خاطر اینکه افغان ها نگویند که "ترامپ" و دولت افغانستان با تکرار تجربه ناکام دوره حکومت "اوباما"، آرزوی خاتمه جنگ را ندارند، بلکه می خواهند این کشور را در حال بحران نگاه دارند، بنا بر آن مشوره ما از این قرار است که امریکا پالیسی ذیل را در مورد افغانستان اعلام کند:

(الف) امریکا به افغانستان (... عسکر اضافی اعزام می دارد؛

(ب) امریکا تمام عساکر خود را تا سال ۲۰۱۹ از افغانستان بیرون می کند (در همین سال دوره این حکومت نیز به پایان می رسد).

(ج) درین مدت به منظور حل صلح آمیز بحران افغانستان تلاش های صادقانه صورت می گیرد تا حکومت برحال افغانستان صلاحیت و قدرت خود را به آن حکومت جدیدی به طور مسالمت آمیز بسپارد که در نتیجه تلاش برای ایجاد صلح تأسیس شده باشد.

این نوع اعلان دولت امریکا ملت افغان و هم همه همسایگان دور و نزدیک ما را مطمئن می سازد. دولت افغانستان در مقابل اعلان فوق الذکر امریکا تدابیر ذیل را اتخاذ می کند:

- ۱ - شورای عالی صلح: این شورا به منظور مذاکرات صلح به آدرس دولت باید نگاه داشته شود.
- ۲ - میانجیگری: ابتکار صلح را باید رئیس جمهور اشرف غنی به دست خود بگیرد. درین ارتباط مسئولیت حکومت افغانستان به مقابل طالبان بسیار زیاد تر است و توپ بازی به دست حکومت می باشد. این به خاطری است که حکومت به اساس انتخابات، نماینده ملت می باشد، سفارت ها در خارج دارد و حمایت جهانی را با خود دارد - اعضای حکومت به هر طرف مسافرت می توانند، با نمایندگان ناتو، با سیاست مداران منطقه، با اعضای ملل متحد و کشور های مختلف به طور آزاد بحث و دید و وادید می توانند، در حالیکه طالبان ازین امتیازات محروم اند. دولت باید ازین امتیازات خود به درستی استفاده کند و ابتکار صلح را بدست خود بگیرد. این وظیفه دولت است که ابتکار را از دست مخالفین مسلح بگیرد - آنگاه دولت باید یکی ازین دو راه را پسند کند:

(الف) راه بهتر از همه اینست که در خارج از چوکات شورای عالی صلح، برای مذاکرات صلح به ابتکار افغان ها و مالکیت آنها به چنان یک گروه میانجیگر باید موقع داده شود که به صلح باور و اخلاص داشته باشد و به جانب تمام منسوبین بحران آزادانه رفته و تماس گرفته بتواند - این گروه، کار و مکلفیت های خود را از طریق همکاری با سازمان اسلامی خود افغان ها و مؤسسه ملل متحد انجام بدهد - در این صورت مذاکرات به نمایندگی از دولت در بین شورای عالی صلح و طالبان، به اساس یک میکانیزم معقول و مشخص، به منظور ایجاد یک صلح شرافت مندانه انجام می یابد (این نوع موقف و روش، شورای عالی صلح را نیز فعال می سازد) - در صورت تقاضای شما، طرح میکانیزم صلح را نیز به حضور تان تقدیم خواهم کرد.

(ب) اگر خدای ناکرده به منظور حل قضیه افغانستان، به افغان ها فرصت و موقع نوآوری و ابتکار و میانجیگری داده نشود، در آن صورت از سرمنشی مؤسسه ملل متحد تقاضا شود که به منظور حل بحران افغانستان شخص خودش میانجیگری کند.

■ ۳- میکانیزم صلح تا قبل از ختم دوره ریاست جمهوری موجوده، به منظور ایجاد چنان یک حکومت واجد ابعاد وسیع، راه ها و امکانات را باز سازد که مورد باور و اعتماد ملت قرار گرفته و همسایگان و سایر کشورها نیز با آن همکاری بتوانند.

■ ۴- آن حکومت جدید افغانستان که در نتیجه مذاکرات صلح ایجاد می شود، جای حکومت موجوده را می گیرد.

■ ۵- حکومت جدید توسط همسایگان و سایر کشورها به رسمیت شناخته می شود، اینها برای دوباره آبادانی افغانستان، و بازگشت مهاجرین افغان، کمک خواهند کرد؛ همه عساکر خارجی از افغانستان برون می شوند؛ ملل متحد بیطرفی افغانستان را تضمین می کند.

اگر طرح فوق عملی شود، رئیس جمهور اشرف غنی بدون شک به حیث یک قهرمان تاریخ ما و هم به حیث پدر افغانستان آرام و صلح آمیز و مرفه شناخته و نامیده خواهد شد. ما به منظور تحقق این آرمان ملی برای هر نوع همکاری حاضر می باشیم. با احترام.

فاروق اعظم - کابل، ۱۳ ماه اپریل ۲۰۱۷